

## **Challenges of exercising the right to vote in Iran's public and political legal system**

Mohammad Reza Tasdigi<sup>1</sup>

Received: 19 March 2024

Seyed Mohsen Mirhosseini<sup>2</sup>

Reception: 11 May2024

Mohammad Hossein Jafari<sup>3</sup>

### **Abstract**

In the Iranian legal system, exercising the right to vote is linked to the responsibility of individuals in determining their own destiny, the responsibility of individuals towards the rights of other individuals in society, and the authority of the Islamic government. Participating in elections is a duty for every Iranian. There are many challenges in the non-participation of some people, and this article presents solutions to solve these challenges. The method of this research was descriptive-analytical, and the findings showed that one of the reasons for people not being present at the ballot boxes is the lack of necessary awareness of the importance of elections. Also, there are people who, although they are aware of the importance of attending elections, do not consider their vote and presence to be effective. Another group of people also do not see the electoral environment as a competitive environment; therefore, they refrain from attending the ballot boxes. Another group of people consider lack of trust in the electoral structure as an excuse for not attending. Inefficiency of officials and socio-economic problems are another effective factor in the non-attendance of some people at the ballot boxes. Now, regarding strategies for achieving maximum participation in elections, it should be stated that since the Islamic Republic of Iran is a religious and popular system, its stability and authority, after preserving Islamic values, will depend on the widespread presence and political participation of the people in the scenes of the revolution and the system. This requires the attention of all parts of the system, including officials, people, and election candidates, to the requirements that have been defined for each part in the Islamic system.

**Keywords:** Iran, public rights, right, vote, political participation.

---

<sup>1</sup> PhD student, Department of Public Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Yazd University, Yazd, Iran (corresponding author)

<sup>3</sup>Assistant Professor, Department of Public Law, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran

<http://doi.org/10.30510/pscci.2025.498229.1204>

## چالش‌های اعمال حق رأی در نظام حقوق عمومی و سیاسی ایران

محمد رضا تصدیقی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

سید محسن میرحسینی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲

محمد حسین جعفری<sup>۳</sup>

### چکیده

در نظام حقوقی ایران اعمال حق رأی با مسئولیت افراد در تعیین سرنوشت خویش، مسئولیت افراد در برابر حقوق سایر اشخاص در اجتماع و نیز اقتدار حکومت اسلامی پیوند خورده است. شرکت در انتخابات برای هر ایرانی، یک وظیفه است. چالش‌های زیادی در عدم شرکت عده‌ای از مردم وجود دارد که در مقاله حاضر راهکارهایی جهت حل این چالش‌ها ارائه گردیده است. روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی بوده و یافته‌ها نشان داد که از جمله علل حضور نیافتن افراد در پای صندوق‌های رأی، نداشتن آگاهی لازم نسبت به اهمیت انتخابات است. همچنین، افرادی هستند که هرچند نسبت به اهمیت حضور در انتخابات آگاه هستند، ولی رأی و حضور خود را مؤثر نمی‌دانند. بخش دیگری از افراد نیز فضای انتخابات را فضای رقابتی نمی‌بینند؛ لذا از حضور در پای صندوق‌های رأی صرف نظر می‌کنند. دسته دیگری از افراد، اعتماد نداشتن به ساختار انتخابات را بهانه‌ای برای حضور نیافتن خود می‌دانند. ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی - اجتماعی، عامل مؤثر دیگری در حضور نیافتن بخشی از مردم در پای صندوق‌های رأی است. حال، در خصوص راهبردهای تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات، باید بیان داشت، از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدارش پس از حفظ ارزش‌های اسلامی، وابسته به حضور و مشارکت سیاسی گسترده مردم در صحنه‌های انقلاب و نظام خواهد بود. این امر نیازمند توجه همه بخش‌های نظام اعم از مسئولان، مردم و نامزدهای انتخاباتی به بایسته‌هایی است که در نظام اسلامی برای هر بخش تعریف شده است.

**واژگان کلیدی:** ایران، حقوق عمومی، حق، رأی، مشارکت سیاسی.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

<sup>۲</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران

انتخابات در ایران، مهم‌ترین ابزار مردم‌سالاری دینی و ابزاری برای گسترش نخبگان به شمار می‌رود. اگرچه امروزه انتخابات و صندوق‌های رأی، بخشی از تأثیرات بر حق تعیین سرنوشت مردم تلقی می‌شود و تحولات مدرن در حکومت‌داری به سیاستمداران فضای بیشتری داده است تا در دوران تصدی خود، سیاست را مطابق با خواست مردم تنظیم کنند، اما همچنان می‌توان انتخابات را برگزار کرد، اما آنچه که نگارنده را بر آن داشته است که این موضوع را مطرح نماید، این است که چه عواملی باعث سیر نزولی و کاهشی شدن مشارکت‌ها شده است و چه چالش‌هایی در اعمال حق رأی شهروندان در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران موجود است؟ به نظر می‌رسد، تلاش برای تأثیرگذاری بر سرنوشت سیاسی-اجتماعی، موضوعی نیست که برای تبیین ضرورت آن برای انسان امروز استدلال شود. این مسئله آنقدر بدیهی است که شرح اهمیت و ضرورت آن را می‌توان بیان واضحات و بدیهیات دانست، اما با وجود ظاهر بدیهی بودن این مسئله، باز هم در جامعه مشاهده می‌شود که بخش چشمگیری از صاحبان حق مشارکت، ترجیح می‌دهند تا از این حقوق خود بهره نبرند و در پای صندوق‌های رأی حاضر نگردند. برای شناخت این موانع، ابتدا باید به این نکته توجه کرد که عوامل مختلفی به مشارکت نکردن بخشی از جامعه در انتخابات منجر می‌شود؛ از جمله این عوامل می‌توان به نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی جامعه و دلسردی مردم، بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اقشار مختلف جامعه، باور به اینکه رأی مردم تأثیری در روند امور ندارد، رئیس‌جمهوری از قبل تعیین شده و رأی دادن تأثیری ندارد، عادی شدن وعده‌ها و گفته‌های توخالی، ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی و اجتماعی، اعتماد نداشتن به ساختار انتخابات و سلامت برگزاری آن، رقابتی ندانستن فضای انتخابات، تحریم انتخابات، فقدان نظام حقوقی و چارچوب نظارتی فعالیت رسانه‌ها در عرصه انتخابات، عدم تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران، اعمال حق رأی شهروندان مقیم خارج، عدم به کارگیری فناوری‌های نوین در نظام‌های انتخاباتی، تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه رأی‌گیری، موانع فیزیکی، ضمانت اجرای محرومیت از اعمال حق رأی، باور مردم به عدم حل مشکلات از سوی مسئولان، اشاره نمود که در مقاله حاضر نگارنده در پی

آن است تا با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی به بررسی این عوامل پرداخته و سپس راهکارهای مؤثر در افزایش مشارکت سیاسی مردم از طریق اعمال حق رأی را بیان نماید.

### چالش‌های اعمال حق رأی در نظام حقوق عمومی ایران

شرکت در انتخابات و رأی دادن در نظام حقوقی ایران، دارای وضعیتی متفاوت با نظام‌های حقوقی دیگر است. در نظام حقوقی ایران که بر مبنای فقه امامیه ترسیم شده است، اعمال حق رأی با مسئولیت افراد در تعیین سرنوشت خویش، مسئولیت افراد در برابر حقوق سایر اشخاص در اجتماع و نیز اقتدار و استواری حکومت اسلامی پیوند خورده است و با توجه به اصل تلازم حق و تکلیف، نمی‌توان اعمال حق رأی را امری کاملاً شخصی و حق فردی ارزیابی کرد. سیستم انتخاباتی در ایران، در فقدان احزاب سیاسی، اغلب تحت تأثیر ملاحظات فرهنگی، قومی، مذهبی و هیجانات بوده و در نهایت به صورت ناآگاهانه، توده‌ای و همه‌گیر انجام می‌شود.

### ❖ نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی جامعه و دلسردی مردم

یکی از پرسش‌های مهم در زمینه اقتصاد انتخابات، این است که متغیرهای اقتصادی، چه مقدار بر سطح مشارکت مردم در انتخابات اثر می‌گذارند؟ انسان‌ها برای انجام هر فعالیتی، از جمله مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، نظیر انتخابات، نیازمند انگیزه می‌باشند. احزاب و نامزدها در تبلیغات انتخاباتی سعی می‌کنند با وعده و وعیدهای مختلف، مردم جامعه را برانگیزانند تا بین رقبای مختلف به آنها رأی دهند. از طرف دیگر، اگر مردم تشخیص دهند، وعده و وعیدها تحقق نخواهد یافت یا اینکه دولت‌ها نمی‌توانند وضعیت اقتصادی خوبی ایجاد کنند، مشارکت در انتخابات را بی‌اثر و بی‌نتیجه خواهند دانست. در نتیجه از مشارکت خودداری خواهند کرد (مهرگان و عزتی، ۱۳۸۵: ۵۲). وقتی مردم مشاهده کنند که از یک طرف، در شرایط سخت اقتصادی قرار دارند و از طرفی، وعده‌ای فقط به دنبال داغ کردن تنور رقابت بدون توجه به نیازهای مردم هستند، طبیعتاً دلسرد می‌شوند. بسیاری می‌گویند آن‌هایی که دغدغه انتخابات دارند، باید در وهله نخست، به وضعیت اقتصادی مردم بپردازند، چراکه مسائل

اقتصادی و معیشتی مردم، مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار بر انتخابات است (آقاعلیخانی و پرتوی، ۱۴۰۲: ۲۰۳).

#### ❖ بی‌توجهی به نیازها و خواسته‌های اقشار مختلف جامعه

انتخابات آزاد و عادلانه، یکی از عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظام‌های مردم‌سالار و بخش جدایی‌ناپذیر از روند اجرایی دموکراسی است. رقابت در انتخابات، عمده‌ترین ابزاری است که مقامات دولتی را ناگزیر به پاسخگویی در مقابل مردم و پذیرش به نظارت آن‌ها می‌کند. از آنجاکه هر نظام سیاسی، نماینده تمام مردم ساکن در قلمرو جغرافیایی مربوطه است، در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه باید دیدگاه‌ها، نگرش‌ها و خواست همه افراد جامعه لحاظ شود. چنانچه گروهی احساس کند که خواسته‌ها و نیازهایش مورد بی‌توجهی است، احساس بیگانگی کرده و زمینه‌های تفرق و از هم‌پاشیدگی وحدت ملی ایجاد می‌شود (غفاری و زرین‌کاوایی، ۱۳۹۰: ۹۰).

#### ❖ باور به اینکه رأی مردم تأثیری در روند امور ندارد

این‌که رأی مردم تأثیری در اصلاح روند امور ندارد، از مهم‌ترین مواردی است که به عنوان دلیل عدم مشارکت که با تعابیر متنوع بیان می‌شود. گفته‌ها مبنی بر اینکه ۸ سال پیش رأی دادیم، چه شد؟ بهتر شد؟ کدام یک از کاندیداها که تأیید صلاحیت آنها محتمل است، در صورت رأی آوری می‌تواند تغییری ایجاد کند؟ بخشی از مردم با تحلیل خود از روندهای گذشته، احساس می‌کنند، رأی آنها فایده‌ای ندارد و فارغ از رویکرد سیاسی و براندازی، در چیزی که سودی در آن متصور نیست، چرا باید مشارکت داشته باشند؟ (رهبر و سجادی، ۱۴۰۱: ۶).

#### ❖ رئیس‌جمهوری از قبل تعیین شده و رأی دادن تأثیری ندارد

این، ادعای طیف دیگری از مخالفان حضور در انتخابات است که معتقد به وجود یک توطئه و نمایش، در برگزاری انتخابات هستند که از قبل برنده‌اش معلوم است و مدعی هستند، در مواقع لزوم، در رأی مردم دستکاری می‌شود (رهبر و سجادی، ۱۴۰۱: ۶).

#### ❖ عادی شدن وعده‌ها و گفته‌های توخالی

یکی دیگر از خطراتی که در نتیجه ورود شتاب زده عده‌ای از افراد به صحنه انتخابات به بار آورده است، وعده‌ها و گفته‌های توخالی است. صحبت‌هایی که تنها برای جلب نظر مردم زده می‌شود و در همان حد حرف هم باقی

می‌ماند. عده‌ای خوب می‌دانند که رأی‌آوری نسبت مستقیمی با وعده‌ها و گفته‌هایی دارد که قبل از انتخابات بازگو می‌شود، پس در شرایط کنونی، خیلی سریع و شتاب‌زده خود را به عنوان نامزد معرفی می‌کنند و شروع به دادن وعده‌های آنچنانی به مردم می‌کنند. پس در چنین زمان‌هایی که مردم تا حدودی دلسرد شده‌اند، باید افراد و رسانه‌های آنها فارغ از هرگونه نفع و منفعت شخصی و گروهی، نخست به کل نظام توجه داشته باشند؛ یعنی نه اینکه خود را از بدنه جدا کنند، بلکه مسؤولیت بپذیرند و واقع‌بین باشند (آقاعلیخانی و پرتوی، ۱۴۰۲: ۲۰۳).

#### ❖ ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی و اجتماعی

ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی و اجتماعی، عامل مؤثری در حاضر نشدن بخشی از مردم در پای صندوق‌های رأی است. این افراد که بیشتر از طبقات آسیب‌پذیر اجتماع هستند، تلاش دارند تا اعتراض خود را به عملکردها و ناکارآمدی‌ها در قالب حاضر نشدن در پای صندوق رأی نشان دهند (پورحاجبی، ۱۳۹۶). در انتخابات سال ۱۴۰۰، یکی از مسائلی که مشارکت در انتخابات را تحت تأثیر قرار داد، مشکلات اقتصادی مردم بود. اما نارضایتی مردم از مشکلات اقتصادی و ناکارآمدی مسئولان، سهم مهمی در این عدم مشارکت داشت. بی‌ثباتی و افزایش نرخ ارز، کاهش نرخ رشد اقتصادی، تولید ناخالص ملی و... به ویژه در دوره دوم ریاست جمهوری روحانی (۱۳۹۶)، همگی بیانگر اوضاع نابسامان اقتصادی ایران است (آقاعلیخانی و پرتوی، ۱۴۰۲: ۲۰۱). این یک واقعیت است که درآمد بیشتر، احتمال تحصیلات عالی‌تر، تعامل پرمعنا با گروه‌های سیاسی و اجتماعی، احزاب، سندیکاها و سرانجام، محرک‌های محیطی را افزایش می‌دهد و در نهایت، تمایل گرایش و اعتقاد افراد به مشارکت سیاسی و انتخاباتی را بالاتر می‌برد.

#### ❖ از دست رفتن سرمایه‌های اجتماعی

سرمایه اجتماعی به مثابه سازه یا مفهومی پیچیده و چندوجهی، به مفهومی دلالت دارد که منبع اصلی زایش آن اجتماع، یعنی حوزه تعاملات اجتماعی است (عباسی سرمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۲). هرچند این رویکرد بخشی از واقعیات و مشکلات ساختاری را می‌نمایاند، اما می‌تواند باعث ناامیدی و

دلسردی مردم شود. سردادن شعارهای پوپولیستی و دادن وعده‌های غیرقابل تحقق، هرچند ممکن است، مناصب انتخابی را برای برخی سیاسیون به بار آورد، اما نتیجه محتوم آن، از میان رفتن سرمایه‌های اجتماعی خواهد بود (آقاعلیخانی و پرتوی، ۱۴۰۲: ۲۰۳).

#### ❖ نداشتن آگاهی لازم درباره اهمیت انتخابات

امروزه آموزش‌های عمومی و اطلاع‌رسانی رسلنه‌های فراگیر، آگاهی و دانش را در تمامی وسعت جامعه منتشر ساخته، ولیکن همچنان افرادی دیده می‌شوند که در مواجهه با چرایی حاضر نشدنشان در پای صندوق رأی، به ندانستن اهمیت این امر اشاره می‌کنند. این بخش از افراد که اغلب از اقلیت بی‌سواد و کم‌سواد جامعه هستند، نمی‌دانند که در پس رأی و انتخاب آن‌ها چه سرنوشتی نهفته است و مطلع نیستند که گاه یک رأی می‌تواند سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را دگرگون سازد (پورحاجی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).

#### ❖ تک قطبی شدن انتخابات

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شهروندان با امید به زندگی در محیط و جامعه‌ای سالم‌تر، تمامی تلاش خود را صرف کمک، بهبود و تقویت این نظام کرده‌اند. حکومت در هر زمانی به مردم احتیاج داشت، آنها به صحنه آمدند، اما متأسفانه وعده‌های پوچ و خیالی مسئولین سبب شده است تا مردم دیگر در مورد وعده‌ها آسوده خاطر نباشند (آقاعلیخانی و پرتوی، ۱۴۰۲: ۲۰۱).

#### ❖ رقابتی ندانستن فضای انتخابات

بخش دیگری از افراد به دلیل آنکه فضای انتخابات را فضای رقابتی نمی‌بینند و از اینرو، برای خود حق‌گزینشی نیافته‌اند، از حضور در پای صندوق‌های رأی صرف‌نظر می‌کنند. معنای حقیقی انتخابات، برگزیدن از میان گزینه‌های مختلف است و در صورت وجود تنوع و تکثر است که رقابت معنا می‌یابد (پورحاجی، ۱۳۹۶: ۲۳).

#### ❖ تحریم انتخابات

برخی دیگر، حضور نیافتن در انتخابات را از جنس تحریم انتخابات می‌دانند و به دلیل مخالفت و معاندت با نظام سیاسی و کاستن از مشروعیت آن، بطور آگاهانه از حضور در پای صندوق‌های رأی امتناع می‌کنند. این افراد، تحریم را نوعی ابزار مبارزاتی علیه رژیم قلمداد می‌کنند و پیام آن را

اعتراض به نظام موجود و نامشروع جلوه دادن آن می‌دانند(پورحاجبی، ۱۳۹۶).

#### ❖ عدم تنظیم فهرست‌های انتخاباتی در ایران

در کشورهای دموکراتیک، معمولاً در هر حوزه رأی‌گیری، فهرست‌های انتخاب‌کنندگان تنظیم می‌گردند که روی آنها شهروندان واجد شرایط رأی دادن ثبت‌نام می‌شوند. تهیه فهرست‌های انتخاباتی از ضروریات اولیه سلامت انتخابات است و اعمال مناسب حق رأی به ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی وابسته است (Chantebout, 2003). ثبت‌نام رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی یا به صورت خود به خود توسط مقامات صلاحیت‌دار انجام می‌شود یا منوط به ارائه تقاضای شهروندان واجد شرایط رأی دادن به این مقامات است. اولین فایده فهرست انتخاباتی این است که اشخاص واجد شرایط رأی دادن را تعیین می‌کنند (Masclat, 1989). فقط ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی به شهروندان دارای حقوق سیاسی قدرت مشارکت در رأی دادن را اعطا می‌کند (Pierre, 1989). دومین فایده فهرست انتخاباتی، این است که ابزاری اجتناب‌ناپذیر برای مبارزه علیه تقلبات و تخلفات انتخاباتی است. سومین فایده فهرست انتخاباتی، تسهیل مدیریت اجرایی انتخابات است، زیرا به متصدیان سازماندهی و برگزاری رأی‌گیری، اجازه می‌دهد تا عملیات رأی‌گیری را به صورت مناسب برنامه‌ریزی و اجرا کنند (صمدی، ۱۳۷۴: ۱۶۵). بدلیل فقدان فهرست انتخاباتی، تعداد رأی‌دهندگان شعب اخذ رأی و حوزه‌های انتخابیه قابل پیش‌بینی دقیق نیست و مجریان انتخابات نمی‌دانند چه تعداد رأی‌دهنده در هر یک از شعب رأی‌گیری و حوزه‌های انتخابیه حاضر خواهند شد. چهارمین فایده فهرست انتخاباتی این است که در رأی‌گیری‌هایی که کسب درصد خاصی از آرای ثبت‌نام‌شدگان توسط منتخب لازم است، اجازه می‌دهد (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۷۹) تا این درصد دقیقاً محاسبه گردد. فهرست انتخاباتی، تعداد رأی‌دهندگان ثبت‌نامی را برای محاسبه اکثریت مورد نیاز تعیین می‌کند (Hauriou, 1929). به‌رغم گذشت بیش از یک قرن از برگزاری اولین رأی‌گیری سیاسی در ایران و جایگاه مهم انتخابات در زندگی سیاسی و اجتماعی این سرزمین، تنظیم

فهرست‌های انتخاباتی در ایران الزامی نیست. برخی از حقوق‌دانان ایرانی (قاسم‌زاده، ۱۳۳۴: ۳۹۲) لزوم تنظیم فهرست‌های انتخاباتی به شیوه فرانسوی را در پیش از انقلاب اسلامی پیشنهاد داده‌اند. واجدان شرایط انتخاب‌کنندگان برای مشارکت در تمام رأی‌گیری‌های سیاسی پیش از انقلاب اسلامی بایستی مطابق آیین‌نامه پیشنهادی وزارت کشور مصوب هیأت وزیران در محل سکونت خویش ثبت‌نام و کارت انتخاباتی دریافت کنند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بارها به تدوین یا تغییر قوانین انتخاباتی مبادرت شد، اما لزوم تنظیم فهرست‌های دائمی انتخاب‌کنندگان مغفول ماند. مطابق قوانین و مقررات انتخاباتی، ثبت‌نام از رأی‌دهندگان در روز رأی‌گیری و پیش از اخذ رأی انجام می‌شود. ثبت‌نام رأی‌دهندگان در روز رأی‌گیری رضایت بخش نیست و اهداف ثبت‌نام در فهرست‌های انتخاباتی را تأمین نمی‌کند (صمدی، ۱۳۷۴: ۱۷۱). اما تجربه برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری با مشارکت بیش از ۱۰۰ درصدی واجدان شرایط رأی‌دهی در برخی از حوزه‌های انتخابیه، ضرورت تنظیم فهرست‌های انتخاباتی را به منظور اطمینان از سلامت انتخابات نمایان‌تر کرده است، زیرا فهرست‌های انتخاباتی می‌توانند از وقوع بسیاری از تقلبات و تخلفات انتخاباتی جلوگیری کنند. فهرست‌های انتخاباتی، زمینه حسن جریان رأی‌گیری را فراهم می‌کنند و مانع تحقق بسیاری از تخلفات انتخاباتی می‌شوند. مجریان و ناظران انتخابات باید به لزوم برخورداری منتخبان از حقانیت دموکراتیک باور داشته باشند تا صیانت از آرای ملت را دغدغه واقعی خویش قرار دهند. راه‌حل مشکل تقلب انتخاباتی از طریق تربیت دموکراتیک تحقق می‌یابد که دائم در حال تکمیل شدن است و هیچ‌چیز نمی‌تواند جایگزین مراقبت افکار عمومی شود. ثبت‌نام پیشینی رأی‌دهندگان در فهرست‌های انتخاباتی، نیازمند پیش‌بینی شرط تعلق محلی آنان به حوزه رأی‌گیری است. شرط تعلق محلی می‌تواند ناقض اصل رأی عمومی تلقی گردد، (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۲ — ۸۴) اما اراده قانون‌گذاران بر مقابله با تخلفات و جلوگیری از رأی دادن در حوزه‌های انتخابیه متعدد است، نه اینکه رأی را محدود کند (Dadfar, 1952).

#### ❖ اعمال حق رأی شهروندان مقیم خارج

نظام‌های سیاسی با مشکلات زیادی برای فراهم کردن مشارکت رضایت‌بخش شهروندان ساکن خارج از کشور در حیات سیاسی ملی

روبه‌رو هستند. بسیاری از این شهروندان مایلند در تصمیم‌گیری‌های مهم مربوط به کشوری که به آن تعلق عاطفی و سیاسی دارند، مشارکت کنند، اما بسیاری از هموطنان ساکن سرزمین مادری آنان دارای نگاهی بدبینانه به مشارکت خارج نشینان در حیات سیاسی هستند و نگرانند که به‌رغم گسترش ابزارهای اطلاع‌رسانی و ارتباطات جمعی، هموطنان ساکن خارج آنان به اندازه کافی در جریان واقعیت‌های کشور متبوع خویش نباشند. امکان مشارکت ایرانیان مقیم خارج در همه‌پرسی و انتخاب ریاست جمهوری فراهم است، زیرا مواد ۶ و ۲۵ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران و مواد ۲۰ و ۵۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، تشکیل هیأت‌های اجرایی انتخابات در سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های سیاسی ایران و ایجاد شعب اخذ رأی در خارج از کشور را پیش‌بینی کرده‌اند. ذیل اصل ۶۴ قانون اساسی، تعیین حدود حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی را به قانون عادی واگذار کرده است و مجلس خبرگان رهبری نیز می‌تواند به استناد اصل ۱۰۸ قانون اساسی، با اصلاح قانون انتخابات خبرگان، حوزه‌های انتخابیه خارج از کشور را برای نمایندگی ایرانیان مقیم خارج تعیین کند. اصل ۶۲ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی را متشکل از نمایندگان ملت می‌داند که ملت مرکب از زنان و مردان ایرانی مقیم داخل و خارج کشور است (تقی‌زاده، ۱۳۹۰: ۸۷).

#### ❖ عدم به کارگیری فناوری‌های نوین در نظام‌های انتخاباتی

به کارگیری فناوری‌های نوین در نظام‌های انتخاباتی، دارای آثار و ثمرات چشمگیری همچون افزایش انگیزه و تسهیل مشارکت مردم در انتخابات، تقلیل هزینه‌های انتخاباتی، شفافیت بخشی به انتخابات و تضمین صحت و سلامت انتخابات را به دنبال داشته و اکثر کشورها در مسیر حرکت به سمت به کارگیری شیوه‌های نوین برگزاری انتخابات در نظام حقوقی خود هستند. ناکارآمدی قوانین موجود در پیاده‌سازی انتخابات الکترونیکی در کشور موجب شد که همین مسئله به عنوان یکی از محورهای اصلی و سیاست‌های کلی انتخابات در سال ۱۳۹۵ مورد توجه قرار گیرد (اسدی اوجاق و طاهری، ۱۴۰۱: ۳۷). بنابراین، تهیه و تنظیم لایحه جامع انتخاباتی را از جمله اقدامات مثال زدنی در جهت رفع آسیب‌ها و خلأهای قانونی

موجود برای برگزاری انتخابات الکترونیکی در کشور می‌توان محسوب کرد.

#### ❖ تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه رأی‌گیری

دولت‌ها معمولاً تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه رأی‌گیری را برای ثبت‌نام در فهرست انتخاباتی آن لازم می‌دانند. معیارهای تحقق تعلق محلی به حوزه رأی‌گیری باید از ارتباط واقعی رأی‌دهندگان با آن حکایت کنند و بگونه‌ای تعیین شوند که هر شهروند حداقل با یک حوزه انتخاباتی مرتبط گردد. قوانین انتخاباتی مصوب پیش از انقلاب اسلامی ایران، تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه را برای اعمال حق رأی در تمام انتخابات سیاسی شرط می‌دانستند. به رغم مخالفت برخی از نویسندگان (راوندی، ۱۳۵۷: ۷۱) با شرط تعلق محلی رأی‌دهندگان به حوزه انتخابیه، این شرط برای مشارکت در تمام انتخابات سیاسی ایران تا پیروزی انقلاب اسلامی حفظ شد. امکان رأی دادن در هر حوزه انتخابیه بدون اشتراط تعلق محلی برای رأی‌دهندگان با این اندیشه سازگار است که نمایندگان عهده‌دار نمایندگی تمام ملت هستند، اما این موضوع ارتکاب تخلف انتخاباتی را آسان می‌کند و به احزاب و گروه‌های سیاسی اجازه می‌دهد تا توده‌های انتخاب‌کنندگان را جلبه‌جا کند و اکثریت را در برخی از حوزه‌های انتخابیه تغییر دهنده (Laferriere, 1947) بسیاری از شهروندان ایرانی در روز انتخابات به دلیل وابستگی‌های سیاسی — اجتماعی و یا حتی قومی و قبیله‌ای با داوطلبان در حوزه‌های انتخابیه فاقد تعلق محلی به آن رأی می‌دهند (محمدی در یاسری، ۱۳۸۲: ۱۱۸). منتخبان مجلس شورای اسلامی به عنوان نمایندگان ساکنان حوزه‌های انتخابیه فعالیت می‌کنند و مشکلات آنان را در سطح ملی پیگیری می‌کنند. شایسته نیست که اشخاص فاقد تعلق محلی به یک حوزه انتخابیه در قلمرو آن رأی دهند. در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ پیشنهاد شد که شرط توطن و یا سکونت از شش ماه قبل در حوزه انتخابیه به شرایط انتخاب‌کنندگان در انتخابات پارلمانی اضافه شود. موافقان استدلال می‌کردند که این پیشنهاد از جابه‌جایی گروهی رأی‌دهندگان و در نتیجه، تغییر سرنوشت انتخابات در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه کوچک جلوگیری می‌کند. در مقابل، مخالفان معتقد بودند که این پیشنهاد قابل اجرا نیست و بسیاری از مردم را از حق رأی محروم می‌کند (روزنامه رسمی، جلسه ۵۶۶: ۲۰ - ۲۱).

## ❖ موانع فیزیکی

علت بخشی از عدم مشارکت‌ها (هرچند محدود) را می‌توان موانع فیزیکی دانست که به آن نیز در محاسبات میزان مشارکت‌ها باید توجه کرد. به همراه نداشتن شناسنامه و کارت هویت به دلایل مختلف، مسافرت‌ها، ناتوانی‌های جسمی از جمله کهولت سن و بیماری‌ها نیز هرچند موارد محدودی هستند، اما از عواملی به شمار می‌آیند که نتیجه‌ای جز کاستن از مشارکت نخواهند داشت (پورحاجبی، ۱۳۹۶).

## راهکارهای مؤثر در افزایش مشارکت سیاسی مردم از طریق اعمال حق رأی

راهکارهای مشارکت عمومی در حکومت اسلامی نیز به مفهوم مجموعه اقداماتی است که امت اسلامی با تصدی آن در امر اداره حکومت سهیم می‌شوند. بعبارت دیگر، راهکارهای مشارکت فعال در نظام اسلامی، شیوه‌ها و راه‌هایی است که مردم با پذیرش مسئولیت در زمینه‌های مذکور، عهده‌دار مسؤلیت اداره حکومت اسلامی و پیشبرد به سوی اهداف عالی می‌گردند. در میزان مشارکت سیاسی شهروندان عوامل بسیاری تأثیرگذار هستند؛ اما راهکارهای مشارکت سیاسی و راهبردهایی که در عمل می‌توان در نظر گرفت به شرح ذیل است.

### • مشروعیت دهی

انتخابات، مایه مشروعیت مقام‌ها و نهادهای کلیدی در ساختار سیاسی ایران است. دو مقام رسمی کلیدی یعنی مقام رهبری و رئیس‌جمهور، به نوبت با رأی غیرمستقیم و مستقیم مردم گزینش می‌شوند. بر پایه اصل ۱۰۷ قانون اساسی، تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است. گزینش رهبر هم بطور مستقیم و هم غیرمستقیم از سوی جمع انجام می‌گیرد و فرد یا مقام ویژه‌ای در این زمینه کمترین نیروی گزینش را ندارد. نخست، مجلس خبرگان رهبری با رأی مستقیم مردم شکل می‌گیرد و اصل ۱۰۸ درباره کیفیت انتخاب اعضای مجلس خبرگان سخن می‌گوید که شرایط تعیین آن بر گردن خود همین مجلس نهاده شده است. در گام دوم، خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصدونهم بررسی و مشورت می‌کند. رهبر منتخب خبرگان باز پافشاری بر چندگانه و

موقتی بودن این سمت برای متصدی آن است تا نشان دهد که فرد منتخب هم در برابر قوانین با سایر افراد کشور مساوی است و هم به دلایل پیش‌بینی شده ممکن است، از مقام خود برکنار و کس دیگری به جای او گزینش شود. رئیس جمهور طبق اصل ۱۱۳ پس از مقام رهبری، عالی‌ترین مقام رسمی کشور است. برجستگی مجلس از جهت پیش‌بینی قانون به عنوان تنها سنجه‌ای است که کشور را ضابطه‌مند می‌کند و همه مقام‌ها و کسان باید از آن پیروی کنند. این ویژگی قانون سبب می‌شود، پیش‌بینی‌اش به دست فرد سپرده نشود؛ زیرا نگارش و پیش‌بینی قانون، نه تنها برنامه جمعی است که هیچ فرد یا مقامی را یارای آن نیست تا قانون در معنای دادگرانه و بی‌طرفانه را بگذارد (عالی‌پور، ۱۳۹۴: ۶۵).

#### • حل مسئله و راهبرد

در چرخه حل مسئله، گام اول، تشخیص مسئله است و سپس، تبیین و تعریف درستی از مسئله داشته باشیم. به عنوان مثال، در مسئله کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰، عوامل تأثیرگذار در آن، عبارتند از یک عامل مسأله فشار اقتصادی و عملکرد ناصحیح دولت و ناکارآمدی آن در چند سال گذشته که به نوعی احساس ناامیدی و سرخوردگی در جامعه ایجاد کرد. سومین عامل ناامیدی مردم از تغییر بود. اینکه رئیس‌جمهوری با کلی وعده می‌آید، چیزی برآورده نمی‌شود، دوباره رئیس‌جمهور بعدی با کلی وعده و کلید می‌آید، باز چیزی به دست نمی‌آید (رهبر و سجادی، ۱۴۰۱: ۶).

#### • تبیین مبانی دینی و گسترش آن در جامعه

دین یکی از مؤلفه‌های اصلی و مهم و موتور محرکه جنبش‌های اجتماعی و سیاسی در جامعه می‌باشد. متغیر مستقل دین در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی اهمیت زیادی دارد. از اینرو، یکی از اهداف استعمارگران برای سکولاریزه کردن جوامع مسلمان، بی‌تفاوت ساختن آن‌ها در قبال سرنوشت اجتماعی خود و زمینه‌سازی برای تسلط آسان بر جوامع است (صفری، ۱۳۹۶: ۴).

#### • آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی

آگاهی‌بخشی و بصیرت‌افزایی در مردم، نقش مؤثری در افزایش مشارکت مردمی در انتخابات دارد. مردم اگر درک صحیحی از موقعیت و جایگاه کشور داشته باشند و حساسیت انتخابات ریاست‌جمهوری و نقش آن را در

پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور و ناکامی دشمنان در دستیابی به اهداف خویش بشناسند و بدانند که حضور آنان در صحنه، خنثی‌کننده بسیاری از توطئه‌های دشمنان بوده و امنیت بیشتری را برای کشور به ارمغان می‌آورد، به یقین در عرصه انتخابات حضور پررنگی پیدا خواهند کرد (رهبر و سجادی، ۱۴۰۱: ۶). وظیفه اصلی آگاه‌سازی در این زمینه بر عهده اصحاب رسانه است که در رأس آن، صاحبان منبر و تریبون، مطبوعات، پایگاه‌های خبری و رسانه ملی قرار دارند که انتظار می‌رود با انجام وظیفه قانونی خود در این زمینه ثمربخش باشند (پورحاجی، ۱۳۹۶).

#### • وجود احزاب و حضور فعال آنها در چهارچوب قانون اساسی

##### و شرع

یکی از راهکارهای توسعه مشارکت مردمی، وجود احزاب اسلامی است که نیروهای مردمی را در گسترش مشارکت‌شان در مسائل سیاسی جهت‌دهی و نظام‌مند می‌نمایند، زیرا حکومت در شکل امروزی آن به دلیل پیچیدگی‌های فراوان، طبعاً مستلزم این است که تنوع علایق، منافع فکری، اجتماعی و اقتصادی در جامعه حفظ شود و مردم بتوانند به صورت فردی یا جمعی، خواسته‌های خود را بیان کنند (صفری، ۱۳۹۶: ۵).

#### • فرهنگ‌سازی

فرهنگ از مهم‌ترین متغیرهای مشارکت سیاسی و اجتماعی است. مشارکت افراد در جامعه‌هایی که دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی است، گسترده است؛ در مقابل، در جامعه فاقد چنین فرهنگی، مردم با پدیده‌های سیاسی و اجتماعی برخورد انفعالی دارند (صفری، ۱۳۹۶: ۵).

#### • فقر زدایی

فقرزدایی و عدالت اجتماعی و اقتصادی، رونق اقتصادی، اشتغال، مهار تورم، محورهای مهمی هستند که در گسترش مشارکت سیاسی و اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. کاهش مشکلات اقتصادی و معیشتی در آینده، به بهبود مشارکت انتخاباتی منجر خواهد شد.

#### • آموزش

آموزش با ایجاد انگیزه لازم در دانش‌آموزان و اولیاء ایشان برای حضور فعال در عرصه‌های سیاسی کشور، گامی مؤثر در راه پیشرفت سیاسی کشور

و رشد همه‌جانبه آنها می‌باشد. رهبران و مسئولین نظام و جامعه با مدنظر قرار دادن اینکه پیشرفت و رشد جامعه میسر نمی‌شود، مگر با رشد آموزش و تربیت افرادی کارآمد و ماهر برای در دست گرفتن چرخ‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (همتی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۶).

#### • رضایت‌مندسازی

بخش اصلی از کسانی که در روز انتخابات به پای صندوق‌های رأی نمی‌آیند، آن‌هایی نیستند که بی اطلاع بوده و یا تحت تأثیر القائات بی‌اعتماد شده‌اند؛ بلکه کسانی هستند که به دلیل مشکلات متنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی که وجود بخشی از آن، طبیعی و بخشی دیگر به دلیل سوء مدیریت‌هاست، حاضر نیستند، پای صندوق‌های رأی بروند. حضور ملت در انتخابات، الزاماً به معنای رضایت ایشان از وضع موجود نیست، اما می‌توان این حضور در انتخابات را به معنای قبول و پذیرش نظام سیاسی دانست؛ چراکه نمی‌توان پذیرفت، فرد بدون قبول و اعتماد به نظام سیاسی، در پای صندوق رأی حاضر شده باشد؛ از اینرو، به همین دلیل است که میزان مشارکت سیاسی ملت در انتخابات را می‌توان اعتماد و مقبولیت نظام سیاسی دانست (پورحاجبی، ۱۳۹۶).

#### • عضویت سازمانی

نرخ مشارکت سیاسی کسانی که عضویت سازمانی دارند، بویژه در کشورهای درحال‌گذار نسبت به کسانی که چنین عضویتی ندارند، بسیار بیشتر است. این سازمان‌ها، قدرت بسیج‌کنندگی بالایی دارند و زمینه همسان‌سازی فکری را فراهم می‌کنند (Milbrath, 1971). در مورد عضویت سازمانی در ایران، واقعیت این است که آمار و ارقام در این زمینه کمتر از آن است که بتوان به عضویت شهروندان ایرانی در سازمان‌های گوناگون بالید. منابع موجود نیز حکایت از این دارد که تنوع و گستردگی اتحادیه‌ها، سندیکاهای، انجمن‌های صنفی و سازمان‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برپایه شمار کارکنان آن اندک است (آل‌غفور، ۱۳۸۸: ۱۵۹). این درحالیست که سازمان‌های غیردولتی، با بهره‌گیری از منابع انسانی داوطلب و جذب منابع مالی با هزینه بسیار پایین، قادر به تحقق اهدافی هستند که سازمان‌های دیگر از انجام دادن آنها با آن مقدار هزینه ناتوانند، اما در ایران این سازمان‌ها نیز درگیر مشکلات بنیادینی هستند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: ۱) تأمین اعتبار برای اجرای برنامه‌ها در سازمان‌های غیردولتی

اندک است؛ ۲) ظرفیت عملکرد سازمان‌های غیردولتی بسیار محدود است و می‌تواند در محدودیت مکانی، مالی، اداری و اجرایی خلاصه شود؛ ۳) این سازمان‌ها به دلیل فاصله گرفتن از اهداف و آرمان‌های اولیه بویژه در تشکل‌های جوانان به تدریج شکست می‌خورند (زیباکلام و باقری ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۱۳۵).

افزون بر این، مشارکت سیاسی و یکی از مهم‌ترین گونه‌های آن، یعنی مشارکت انتخاباتی، به انگیزه و رغبت زیادی نیاز دارد. در ایران، نیاز به وجود این سازمان‌های حزبی به شکل مطلوب آن به شدت احساس می‌شود. امروزه بیش از ۲۴۰ حزب و انجمن سیاسی، مجاز به فعالیت در ایران وجود دارند که بیشتر آنها را می‌توان در دو دسته اصول‌گرا یا اصلاح‌طلب قرار داد که خود مرزهای سیاسی گسترده‌ای دارند. مطالعه دقیق احزاب سیاسی نشان می‌دهد که این سازمان‌ها در ایران به دلایلی نتوانسته‌اند به این کارکرد مهم دست یابند که این دلایل عبارتند از ۱) مقطعی و دوره‌ای بودن آنها در کانون دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی؛ ۲) بومی‌سازی نشدن احزاب در ایران؛ ۳) فقدان عضوگیری عمومی و وجود شخص محوری (جاسبی و پریراد، ۱۳۹۴: ۲۹). شرایط فعلی این مسئله را گوشزد می‌کند که به ناچار باید سازمان‌ها و نهادهایی را خلق کنیم که ضمن کمک به حل مشکلات مردم و ایجاد چالش برای ناکارآمدی‌های مدیریتی مسئولان خرد و کلان ملی - مذهبی انگیزه ایجاد کنند (شفیعی سیف‌آبادی، ۱۴۰۰).

#### • مشارکت مؤثر در انتخابات

مشارکت مؤثر در انتخابات، نقش چشمگیری در تحقق یک حکومت مردم‌سالار ایفا می‌کند. نظام انتخاباتی و از جمله سازوکار حوزه‌بندی انتخابات، باید به گونه‌ای طراحی شود که علاوه بر افزایش مشارکت مردم در انتخابات، مشارکت مؤثر آنان را نیز افزایش دهد. اصطلاح برنده انتخابات همه آراء را به دست می‌آورد که در نظام‌های انتخاباتی اکثریتی به کار برده می‌شود، از جمله کلیدی‌ترین دلایلی است که به کاهش مشارکت مردم در انتخابات منجر می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران، با توجه به نظام انتخاباتی اکثریتی حاکم بر آن، نمی‌توان شواهدی مؤثر در رعایت این

اصل مهم به دست آورد(منصوریان، ۱۳۹۶: ۱۵۰). در نظام‌های اکثریتی که احراز رأی بیشتر ملاک پیروزی در انتخابات است، کسب آرای فراوان چنانچه منتج به کسب اکثریت نشود، در پیروزی اثری ندارد و چنانچه حوزه‌بندی انتخاباتی با دقت صورت نگیرد، ممکن است، فرد یا گروهی به رغم وجود حمایت مردمی کافی به نسبت سایر حوزه‌ها سهمی در قدرت نداشته باشد(غمامی و بستانی، ۱۴۰۰: ۵۶).

### نتیجه‌گیری

اولین سطح از علل حضور نیافتن افراد در پای صندوق‌های رأی، نداشتن آگاهی لازم نسبت به اهمیت انتخابات است. هرچند امروز آموزش‌های عمومی و اطلاع‌رسانی رسانه‌های فراگیر، آگاهی و دانش را در تمامی وسعت جامعه منتشر کرده است، ولی همچنان هستند، افرادی که در مواجهه با چرایی عدم حضور در پای صندوق رأی، به ندانستن اهمیت این امر اشاره می‌کنند. سطح دوم، افرادی هستند که هرچند نسبت به اهمیت حضور در انتخابات آگاه هستند، ولی رأی و حضور خود را مؤثر نمی‌دانند. کسانی که بین آمدن و نیامدن فرقی نمی‌بینند و رأی خود را صاحب تأثیر نمی‌دانند. بخش دیگری از کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کنند، کسانی هستند که آن قدر در مسائل دیگر زندگی غرق هستند که مشارکت سیاسی و شرکت در انتخابات، برای آن‌ها دیگر مسئله نخواهد بود. برای نمونه از فردی که هنوز نتوانسته نیازهای اولیه خود را رفع کرده و غرق در محرومیت و تلاش برای رفع آن است، کمتر می‌توان انتظار داشت که به نیازها و حقوق ثانویه خود همچون مشارکت سیاسی بیندیشد. بخش دیگری از افراد به دلیل آنکه فضای انتخابات را فضای رقابتی نمی‌بینند؛ لذا برای خود حق‌گزینشی نیافته و از حضور در پای صندوق‌های رأی صرف نظر می‌کنند. مبتنی بر نگاه این بخش، معنای حقیقی انتخابات، برگزیدن از میان گزینه‌های مختلف است و در صورت وجود تنوع و تکثر است که رقابت معنا می‌یابد. این بخش از افراد چون فضای انتخابات را رقابتی ندانسته، حاضر به شرکت در انتخابات نیستند. دسته دیگری از افراد، اعتماد نداشتن به ساختار انتخابات و سلامت برگزاری آن را بهانه‌ای برای حضور نیافتن خود می‌دانند. این

افراد معتقدند در انتخابات، امکان تقلب وجود داشته و از درون صندوق کسانی بیرون می‌آیند که نظام سیاسی خواستار انتخاب آنان است. لذا حضور در انتخابات بیهوده بوده و به واقع فرآیند مذکور بیش از آنکه «انتخاب» باشد، «انتصاب» است و به واقع انتخابی صورت نمی‌گیرد. ناکارآمدی مسئولان و معضلات اقتصادی - اجتماعی، عامل مؤثر دیگری در حضور نیافتن بخشی از مردم در پای صندوق‌های رأی است. برخی دیگر، حضور نیافتن در انتخابات را از جنس «تحریم انتخابات» دانسته و به دلیل مخالفت و معاندت با نظام سیاسی و به جهت کاستن از مشروعیت آن، به طور آگاهانه از حضور در پای صندوق‌های رأی امتناع می‌کنند. این افراد تحریم را نوعی ابزار مبارزاتی بدون خشونت علیه رژیم دانسته و پیام آن را اعتراض به نظام موجود و نامشروع جلوه دادن آن می‌دانند. همچنین، به نظر می‌رسد، تورم زیاد، بیکاری شهروندان، کاهش رفاه، افزایش مشکلات معیشتی، نارضایتی از وضعیت موجود را افزایش داده و ضمن تأثیرگذاری مستقیم بر افزایش میزان رأی‌های باطله، به طور کلی بر مشارکت انتخاباتی مردم نیز تأثیرگذار بوده است و افزون بر این، هنگامی که افراد در آستانه خبرهای متراکم اپوزیسیون داخلی و خارجی قرار می‌گیرند تا حدود زیادی منفعل عمل می‌کنند و نهایتاً این احساس شکل گرفت که فرایند انتخابات و چرخش نخبگان، ظرفیت لازم را برای بهبود زندگی آنها با رسیدگی به مشکلات عمده کشور و پایان دادن به بن‌بست سیاسی ندارد. حال، در خصوص راهبردهای تحقق مشارکت حداکثری مردم در انتخابات باید بیان داشت، از آنجاکه جمهوری اسلامی ایران، نظامی دینی و مردمی است، ثبات و اقتدار آن نیز پس از حفظ ارزش‌های اسلامی، وابسته به حضور و مشارکت سیاسی گسترده مردم در صحنه‌های انقلاب و نظام خواهد بود. مردم در برگزاری یک انتخابات سالم و پرشور نقش مؤثری برعهده دارند. ایشان باید ضمن حفظ وحدت و انسجام خویش تلاش کنند، از طریق مشورت با افراد انقلابی، عالم و دلسوز، کاندیدای اصلح را انتخاب نمایند. توجه به رأی اولی‌ها در انتخابات، عاملی است که می‌تواند عاملی برای افزایش مشارکت به حساب آید. تمایل به ثبت اولین تجربه سیاسی و حضور رأی اولی‌ها در پای صندوق‌های رأی، کافی است تا موتور محرکی

برای مشارکت در انتخابات باشد. در این میان، ممکن است، عواملی ذهنی که اغلب محصول عملیات روانی دشمن در ایجاد یأس، ناامیدی و بی‌انگیزگی است، مؤثر بوده و آن‌ها را از درک این اولین تجربه منصرف کرده باشد که این حالت چندان قوام ندارد و با سخنرانی‌های انگیزشی می‌توان آن‌ها را به شرکت در انتخابات دعوت نمود. باید توجه داشت که فرد را دعوت به حضور در انتخابات باید کرد تا از سبب گسترده نامزدها، به هرکس دوست دارد، رأی دهد. ملاحظه دیگر، تلاش برای به اشتراک گذاشتن تجربیات مختلف در دعوت مردم به مشارکت است. برای ایجاد مشارکت، گام اول و مؤثر، مخاطب شناسی است. بدون شناخت درست از مخاطب نمی‌توان از تأثیرگذاری بر آن سخن گفت. در این فرآیند، حداقل در مورد دو چیز باید آگاه بود: اول آنکه مخاطب چه اعتقاداتی دارد و دستگاه ارزشی او چگونه شکل گرفته است و چه پیش فرض‌هایی را در حوزه سیاست قبول دارد. بدون شک برای اقناع سازی کسی که فردی متشرع است و مبانی مذهبی دارد، باید از مسیری رفت و کسی که متشرع نیست، مسیری دیگر. برای قانع کردن کسی که انقلاب را قبول دارد و کسی که ضد انقلاب است، باید با دو منطق استدلال کرد. دوم آنکه معلوم گردد آنکه پای صندوق رأی نمی‌آید، ناآگاه است یا بی‌اعتماد یا آنکه از عملکردها ناراضی است که برای مواجهه با هرکدام از آن‌ها باید مسیر استدلالی متفاوتی را طی نمود. بی‌توجهی به این تفاوت‌ها، تلاش ما برای اقناع‌سازی را کم اثر خواهد کرد. دگرگونی شرایطی زیستی جامعه، تغییراتی را در گروه‌های مرجع ایجاد کرده است. بخشی از گروه‌های مرجع سنتی که پیش از این، معتبرترین‌ها در جامعه به حساب می‌آمدند، دچار کاهش اعتبار شده و گروه‌های مرجع جدید، پدید آمده‌اند که بر بخش عمده‌ای از جامعه، بالأخص نسل جوان اثر گذارند. مثال برجسته این مراجع نوظهور، سلبریتی‌ها هستند که به واسطه رسانه‌های نوین، روز به روز بر طیف مخاطب بیشتری سیطره فکری — ذهنی دارند. به نظر می‌رسد، برای رسیدن به مشارکت، نیازمند تعامل با سلبریتی‌ها و مدیریت و مهار آنان است. بدون شک، دشمن نیز برای به خدمت گرفتن آنان برنامه دارد و رهاسازی آنان در انتخابات می‌تواند بستر را برای بهره‌برداری دشمن علیه انتخابات فراهم آورد. از آن سو، به کارگیری سلبریتی‌های ورزشی و هنری می‌تواند کمک کار افزایش مشارکت و عاملی برای ترغیب مردم گردد.

## منابع

- اسدی اوجاق، نادر و طاهری، محسن، تأملی بر کاربست فناوری‌های نوین در نظام انتخاباتی و الزامات قانونی آن در نظام حقوقی ایران، مجله تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی، شماره ۱۵، تابستان ۱۴۰۱
- آقاعلیخانی، محمد و پرتوی، اصغر، تأثیر مشارکت سیاسی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران (مورد مطالعه: مقایسه تطبیقی انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و ۱۴۰۰) مطالعات بین‌المللی، شماره ۳ (پیاپی ۷۹)، زمستان ۱۴۰۲
- پور حاجبی، افضل، حق یا تکلیف بودن مشارکت همگانی در انتخابات جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تفت، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۱۳۹۶
- تقی زاده، جواد، اعمال حق رأی در حقوق انتخابات سیاسی ایران و فرانسه، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره پانزدهم، شماره ۳ رتبه علمی - پژوهشی، پاییز ۱۳۹۰
- جاسبی، عبدالله و پریراد، رضا، آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۴، شماره ۱۵، ۱۳۹۴
- رهبی، عباسعلی و سجادی، مرضیه سادات، مسئله شناسی ترکیبی کاهش مشارکت در انتخابات ۱۴۰۰، نشریه شباک، دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۶۵)، ۱۴۰۱
- زیباکلام، صادق و باقری ده آبادی، علیرضا، آسیب شناسی ظهور و کارکرد نخستین جراید تشکیلاتی ایران در دهه اول مشروطیت، مجله سیاست، دوره ۳۹، شماره ۲، ۱۳۸۸
- شفیعی سیف آبادی، محسن، بررسی دلایل کاهش میزان مشارکت مردمی در انتخابات ۱۴۰۰ و آینده رفتار انتخاباتی شهروندان، بر پایه نظریه

- مشارکت سیاسی میلبراث و نظریه سناریو نویسی شوارتز، مجله پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۶۳، تابستان ۱۴۰۰
- صفری، مصطفی، راهکارهای مشارکت مردم در روند سیاسی حاکمیت، موانع و محدودیت‌ها، پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی، دومین همایش بین‌المللی و چهارمین همایش ملی، ۱۳۹۶
- صمدی، سعید، بررسی تطبیقی انتخابات پارلمان ۱۱۰ کشور جهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم سیاسی دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، بهار ۱۳۷۴
- عالی پور، حسن، نظام حقوقی انتخابات و حق انتخاب در جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۶۹ رتبه علمی — پژوهشی، پاییز ۱۳۹۴
- عباسی سرمدی، مهدی و مهرابی کوشکی، راضیه و رهبر قاضی، محمودرضا، بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت در انتخابات، مجله مسائل اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره ۲ رتبه علمی — پژوهشی، زمستان ۱۳۹۳
- غفاری، مسعود و زرین کاویانی، بهروز، بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶ - ۸۴، مجله ژئوپلیتیک، شماره ۲۱ رتبه علمی - پژوهشی، بهار ۱۳۹۰
- غمامی، سید محمد مهدی و بستانی، محمد حسین، مبانی، معیارها و اصول حقوقی حاکم بر حوزه‌بندی انتخاباتی با بررسی موردی نظام انتخاباتی ایران مجلس و راهبرد، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۴۰۰
- محمدی دریاسری، معصومه، بررسی تحلیلی نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، حقوق عمومی، پردیس قم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲
- منصوریان، مصطفی، نظام حقوقی حاکم بر انتخابات، چاپ اول، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۶
- همتی، فتحعلی و حقیقی، علی محمد و روان بد، امین، بررسی نقش آموزش و دانشگاهیان در مشارکت سیاسی شهروندان، مجله تحقیقات مدیریت آموزشی، شماره ۵۵، بهار ۱۴۰۲

- Chantebout. Bernard. Droit constitutionnel. Paris, Armand Colin, 20e éd., 2003
- Dadfar, Habibollah. La Constitution de l'Iran et la séparation des pouvoirs. Thèse. Université de Paris, 1952.
- Hauriou, Maurice. Précis de droit constitutionnel. Paris, Sirey, 2e éd., 1929.
- Masclat, Jean Claude. Le droit des élections politiques. Paris, puf, 1992.
- Milbrath, L. W. (1971c) Individuals and the government. In H. Jacob & K. N. Vines (Eds.), Politics in the American states: A comparative analysis (2nd ed.), Boston: Little, Brown.
- Pierre, Eugène. Traité de droit politique, électoral et parlementaire. Paris, Loysel, réédité en 1989.